

### موقعیت ما، مصافها و چشم انداز آتی کارمان

سخنرانی در نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب- اردیبهشت ۸۱، بخش دوم



رحمان حسین زاده

متنوع سیاسی، اجتماعی، نظامی و تشکیلاتی و تحزب کمونیستی ایندوره با روشنترین برنامه و پلاتفرم را اشاره کرد و جایگاه و ارزش آنها را در مبارزات فی‌الحال و آینده در نظر گرفت.

علاوه بر این فاکتورهای اساسی، کارکرد سیاسی و عملی حزب کمونیست کارگری در ۳-۴ سال اخیر و از بین رفتن یکسری محدودیات، موقعیت ما را در کل ایران و در کردستان محکمتر نموده است. برای مثال: ایجاد رادیو و رساندن پیام و برنامه سیاسی خودمان، حضور واحد نظامی در داخل، کار متمرکز در شهرهای کردستان و گسترش فعالیت سیاسی و سازمانی ما در شهرها، وقایع مربوط به کنفرانس برلین، حضور آکتیو حزب در حوزه فعالیت خارج کشور و در عرصه‌های مختلف

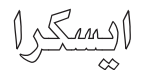
صفحه ۲

و جوانان برای رهایی دقت میکنی، انطباق اساسی آنها را با برنامه و پلاتفرم و راه‌حلهایی را مشاهده میکنی که کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری پرچم آن را برافراشته است. مهم نیست در مواردی فرمولبندیهایمان تماما یکی نیست، اما نقطه عزیمت و چارچوبهای پایه‌ای یکی است و به یک جنبش متعلقیم. در همین چند ساله اخیر، در مسائل گرهی چون پافشاری بر سرنگونی جمهوری اسلامی، به شکست کشاندن دوم خرداد، تقابل با اسلام و مذهب، مبارزه قاطع با ناسیونالیسم، ارائه راه حل برای معضلات جامعه چون رفع ستم

بخش اول این سخنرانی را با این نتیجه گیری به پایان رساندیم: نقطه قدرت ما این تحولات رادیکال در بطن جامعه و نیروی اجتماعی گسترده‌ایست، که خواهان تحول انسانی و اساسی است. وقتی که در مسائل گرهی جامعه، در مطالبات اساسی توده کارگر و زحمتکش، در آرزوهای زنان

چگونه میتوان از جنایات بیشتری جلوگیری کرد؟  
صفحه ۳

در گرامیداشت یاد رفیق عثمان سلیمانی  
صفحه ۴



سرمدبیر: ایرج فرزاد  
iraj\_farzad@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵  
فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S  
Box 15203  
104 65 Stockholm  
پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

### تغییر قانون سن ازدواج یا بازی با کلمات؟

در اینمورد درگرفت، در حالی که ارائه دهندگان طرح عرق ریزان خطر انفجار مردم، آبرو ریزی بین المللی، سرنگونی قریب الوقوع و ضرورت اصلاح چنین قوانینی را یادآوری می

صفحه ۳

تشخیص یک دادگاه صالح " مجاز شناخته شد. یعنی اگر سعی کنیم این طرح را بزبان آدمیزاد ترجمه کنیم میتوان گفت که دختران ۹ ساله میتوانند با اجازه ولی و تأیید یک قاضی دادگاه که معمولاً خود از دست اندرکاران رژیم است و به احتمال خیلی زیاد اجازه را صادر میکند، به فروش برسند و مورد تجاوز جنسی قرار گیرند. یعنی برای مشروعیت بخشیدن به تجاوز رسمی و قانونی به یک دختر ۹ ساله تابحال اجازه یک دادگاه "صالح" کم بوده که آنها صادر شد و اکنون باید خدا را برای داشتن چنین حکومت عادلانه شکر کرد. لطفاً فکر نکنید که چنین طرحی سهل و آسان بتصویب رسیده است. نه اینطور نیست، در بحثهای طولانی و کشفایی که

بزور شوهر داده شده‌اند) و ضد انسانی بودن قانون سن ازدواج جمهوری اسلامی، مجلس دو خردادی را باردیگر بصرافت آبرو خریدن برای این حکومت انداخته است. اما مانند بسیاری دیگر از تقلاهای دوم خرداد و جناح اصلاح طلب رژیم این اقدام هم بشکست کشیده شده و اصلاح ناپذیر بودن این رژیم را اثبات کرد. طرح مجلس برای افزایش سن ازدواج برای دختران به ۱۵ و برای پسران به ۱۸ سال از فیلتر شورای نگهبان رد نشد و بتصویب نرسید. روز شنبه ۱ تیر ماه امسال مجمع تشخیص مصلحت طرح دیگری در همین راستا بتصویب رساند که بر اساس آن "عقد نکاح دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال با اجازه ولی و رعایت مصلحت با



سپیدا شریفی

اعتراضات وسیع به پائین بودن سن ازدواج در ایران و در خارج کشور، میزان بالای تقاضاهای طلاق، آمار بالای بیماریهای ناشی از زایمان، فشارهای جسمی و روحی در میان زنان جوان (یعنی همان دختر بچه های معصوم و بی دفاعی که طبق شرع انور و سنت محمد و حدیث امامان،

رادیو انترناسیونال هر شب ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران طول موج ۳۱ متر برابر با ۹۹۴۰ کیلوهرتز  
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹  
اطلاعات و پیامگیر رادیو: ۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷  
روزهای یکشنبه نیم ساعت به زبان کردی

**شغل شریف میانجیگری تا کی؟**



حسین مرادبگی

صفحه ۴

## ◀ موقیعت ما ...

مستقیماً تاثیر گذار بر فضای سیاسی و مبارزاتی داخل، کمپینها و تقابلهای موفق که در داخل و خارج سازمان داده‌ایم، و... همه اینها موقیعت ما را محکم کرده است. تا آنجا که به صحنه سیاسی کردستان مربوط است هر ناظر با انصاف حضور فعال ما را به رسمیت می‌شناسد. آرایش سنتی دمکرات - کومهله به هم خورده است. فاکتهای فراوان این را نشان میدهد، تنها به عنوان نمونه ارزیابی چندماه قبل حزب دمکرات از "انشعابات" در کومهله و نحره برخورد این حزب به کمونیسم کارگری همین واقعیت را تاکید میکند. در یک جمله، در این جامعه بخواهیم و یا نخواهیم به عنوان نیروی جدی چپ و سخنگوی کمونیسم به وسط صحنه سیاسی پرتاب شده‌ایم. مسئله اینست گذشته هر چه بوده باشد، آینده سراغمان آمده است. سؤال اینست آیا جوابگوی رسالت و وظیفه‌ای هستیم که کمونیسم و چپ جامعه امروز و فردا از ما انتظار دارد؟ چگونگی پاسخ به این سؤال تم اصلی همین نشست دوم شورای کادرهای کردستان است. از این زاویه استراتژی فعالیتیمان را باید مرور کنیم و بدانیم کجا ایستاده‌ایم، چه کمبودها و ناتوانی و خلاهایی را باید پرکنیم و نقشه آتی را استنتاج کنیم. من در پایین به اینها می‌پردازم

### چشم انداز آتی کار ما در کردستان

در کل ایران هدف بلاواسطه و اعلام شده حزب ما سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی است. معنای عملی این مسئله در کردستان و برای ما به مثابه تشکیلات کردستان حزب، تلاش بیوقفه برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شوراهای مردم است. طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی و رهایی در مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی همین انتظار را دارند. همین استراتژی جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری را تشکیل میدهد. قد علم کردن کمونیسم کارگری اجتماعی قوی و

قدرتمند و به عنوان نیروی اول معادلات سیاسی جامعه تنها راه تضمین چنین هدفی است. من در ابتدای سخنانم از شرایط مساعد تحقق اهدافم و از گامهای مهمی که تاکنون در راستای این استراتژی و اهداف برداشته‌ایم صحبت کردم، اما این ابدا کافی نیست. با افق و چشم‌اندازی که ما داریم خلاها و کمبودهای فراوانی را باید جبران کنیم، باسیاست و پراتیک آگاهانه دشواریهای کارمان را باید به حاشیه برانیم. در این راستا به نظرم تغییر و تحولات جدی را باید از سر بگذرانیم. در موارد مهمی تصویر جدیدی از ما و سیمای سیاسی و پراتیکی ما باید به دست آید که به موارد مهم آن در پایین اشاره میکنم.

- تامین رهبری سیاسی ضامن اصلی دست بالا پیدا کردن خط مشی کمونیستی کارگری در صحنه سیاست جامعه است. وجود رهبری مارکسیستی و با افق در راس حزب کمونیست کارگری ما را در موقیعت بسیار مساعدی قرار داده است. علاوه بر آن حضور تعداد قابل توجهی از رهبران و کادرهای مجرب دو دهه مبارزه سیاسی و اجتماعی و نظامی جامعه کردستان که در همین نشست دور هم جمع شدیم، سرمایه بزرگیست. در این زمینه هم نباید به کارکرد تاکنونی بسنده کرده و قانع باشیم. دوران جدید ابراز وجود رهبران را در ابعاد وسیع اجتماعی، در جوابگویی به معضلات و مسائل سیاسی گرهی، در ترسیم چشم‌اندازهای وسیع، در اتخاذ سیاستها و تاکتیکیهای منطبق با اوضاع جدید، در سازماندهی پراتیک گسترده و دگرگون ساز می‌طلبد. دیگر دوران رهبری "کم توقع"، رهبری که جنبش و نیروی خود را دست کم میگیرد، نیست. لازمست چشم در واقعیت دوخت و جوابگوی نیازهای مداوم مبارزه انقلابی این دوران بود. چنین الگویی از رهبری فاکتور مهم پیشبرد برنامه و نقشه این دوران است.

### - حزب ما باید در راس جنبش اعتراض شهری قرار گیرد.

جنبش اعتراضی در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه اعتراض عمومی علیه رژیم، مبارزات کارگری، تحرک جوانان،

اعتراض زنان، زیر پا گذاشتن قوانین و موازین ضد انسانی این رژیم گسترش پیدا کرده است. نقش مثبت تاکنونی ما در این اعتراضات، ذره‌ای نباید این کمبود اساسی را از ما پنهان کند، که هنوز در راس این اعتراضات نیستیم. کلید اصلی جذب رهبران عملی این عرصه مبارزاتی و دست گذاشتن در دست آنها برای پیشبرد امر مشترکمان است. علاوه بر این تعقیب گام به گام اوضاع مبارزاتی، شناخت درست از تناسب قوا، طرح شعارها و مطالبات عاجل، شکل دادن به سازمانهای توده‌ای و ترسیم چشم‌انداز و افق روشن این مبارزات، از ضروریات بسیج توده‌ای گسترده و به میدان کشیدن جنبش اعتراض مردم برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی است.

### - پیوند خوردن جریان ما به نقطه عطفها و روندهای گرهی جامعه:

جامعه دوران متحولی را از سر می‌گذراند. ما در حال گذار شرایط نرمال و روتین نیستیم. دوران کار روتین بسر آمده است. نقطه عطفها و مقاطع سرنوشت ساز در راهند. جریانی که نتواند با نقطه عطفها و دوران حساس منطبق شود، نمیتواند به نیروی موثر و تاثیرگذار تبدیل شود. ما باید آمادگی استقبال از این نقطه عطفها را داشته باشیم. ابراز وجود در چند مورد حساس سیاسی، کار ما را بسیار جلو برده است. اما فرصتهایی را هم از دست داده‌ایم. آمادگی ما باید آن درجه افزایش یابد، نه تنها چنین فرصتهایی از دست نرود، بلکه به استقبال فرصتها برویم.

### - به حاشیه راندن جنبش و سنت ملی و ناسیونالیستی:

جنبش ملی و ناسیونالیستی به عنوان جنبشی جاافتاده و اجتماعی اهداف و سیاستها و سنتهای عقب مانده و ارتجاعی خود را در جامعه رسوخ داده است. سرکوب و ستمگری ملی دولتهای ارتجاعی حاکم علیه مردم کردستان و ابراز وجود ناسیونالیسم به عنوان سنت اعتراض به دولتهای مرکزی این زمینه را فراهم کرده، مداوماً افکار و سیاست و فرهنگ و سنت عقب مانده و خرافی و ضدانسانی را بازتولید کند و جامعه را تحت تاثیر قرار دهد.

شرط رهایی مردم کردستان، رها شدن آنها از دست ناسیونالیسم با همه ابعاد آن است. تقابل سیاسی و اجتماعی همه جانبه در همه عرصه‌ها، در سیاست و ایدئولوژی، در فرهنگ و سنت، با جنبش ملی و به حاشیه راندن این جنبش و احزاب و سیاست آن یک کار همیشگی ما کمونیستها است. ما تنها جریانی هستیم که به چنین مبارزه برحق دست زده‌ایم. اما هنوز کافی نیست، هنوز سیستماتیک و پیگیر و همه جانبه نیست و مهمتر اینکه امکانات ما، با ابزار و امکاناتی که ناسیونالیسم کرد و احزاب آن در اختیار دارند، اصلاً همخوانی ندارد. ما به تداوم فعالیت همه جانبه و مستقل و قانع کننده احتیاج داریم. همزمان راهدل کارساز و موثر برای پایان دادن به ستم ملی و حل مسئله ملی، علاوه بر پایان رنج و مشقات دهها ساله مردم کردستان، زیر پای ناسیونالیسم را خالی میکند. راهل حزب ما روشن است و یا به دست گرفتن قدرت فوراً آن را اجرا میکنیم.

### - پتانسیل ابراز وجود نظامی:

ما به روشنی گفته‌ایم که حزب کمونیست کارگری در کردستان باید توانایی ابراز وجود نظامی موثری داشته باشد. دلیلش روشن است، دولتهای مرتجع و سرکوبگر در مقابل ما به زور اسلحه و سرکوب مسلحانه ما متوسل میشوند، علاوه بر آن احزاب بورژوا - ملی در کردستان مسلحند، در جهت پایمال کردن حقوق مردم، برای سلب آزادیهای سیاسی، در مقابل کمونیسم، به اسلحه متکی میشوند. این را در گذشته خودمان تجربه کردیم و در این سالها در کردستان عراق هم شاهد آن بوده‌ایم. در مقابل این اوضاع کمونیسم کارگری و جنبش آزادیخواهانه باید مسلح باشد. تحقق استراتژی و اهداف ما در گرو جنبش سیاسی و اعتراضی گسترده، بسیج توده مردم و یک مبارزه قدرتمند سیاسی و اجتماعی در دل شهرها است. این موضوع از این واقعیت نمی‌کاهد که قدرت مسلح ما ابزار مهم خنثی کردن دشمنان ما مردم و ضامن پیروزی و دستاوردهای ما است. فکر نمیکنم لازم باشد در مورد ضرورت این عرصه بیشتر

### - سازمان حزبی محکم و گسترده:

سازمان حزبی ما در شهرها گسترش پیدا کرده است. شبکه‌های حزبی ما هم به لحاظ کمیت و هم به لحاظ کیفیت، پیشروی خوبی داشته‌اند. همگان میدانند ما حزب فعال و پرتحرکی در شهرها هستیم. نسل جوان و پرشور وزن مهمی در فعالیتهای ما دارد و این یک نقطه قدرت مهمی است، اما سازمان حزبی ما در شهرها باید بعد اجتماعی و در هم آمیخته با مبارزات جاری را تقویت کند. رهبران و فعالین بعضی عرصه‌های اجتماعی به ما نزدیک و در فعالیتهای مشترک دست در دست هم گذاشته‌اند در این عرصه‌ها نقش ایفا کرده‌ایم. با این وصف باید فعالیت پرشتابی را در دستور بگذاریم. نیروی وسیعی به ما روی آورده‌اند و بسرعت باید آنها را جذب کنیم. فعالیت حزبی ما باید همه شهرهای کردستان و حومه آنها را تحت پوشش قرار دهد و به این معنا شبکه‌های حزبی ما گسترش می‌یابند. جذب فعالین و رهبران جنبش اعتراضی و پیشروان عرصه‌های اجتماعی در اولویت اساسی قرار گیرند. یک مشکل

## تغییر قانون

## سن ازدواج ۱۰۰+

کردند، رگ همتایان راست ترشان برای دفاع از تعلیمات امام و مبارزه با فرهنگ "غریبهها" باد میکرد و در مورد "سنتی" بودن مردم ایران، "فشار" پدر و مادران برای زود بشوهر دادن دخترانشان و "اشتقاق" وافر دختران زیر ۱۳ سال برای "رفتن به خانه بخت" استدلال میکردند. بگفته سید ناصر قوامی رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، موافقان طرح از استدلالهای پزشکی مبنی بر خطرناک بودن سن پائین ازدواج برای دختران جوان و ناکافی بودن سن زیر ۱۳ برای تقبل مسئولیت استفاده میکردند، و بعضی از مخالفان طرح، از اینکه "سن ۱۵ سال برای دختران و ۱۸ سال برای پسران یک قانون غربی است و ما نباید از غربیها پیروی کنیم"، صحبت میکردند و ادامه راه امام (یعنی همان سن ۹ سال بدون تبصره) را لازم میشمردند.

در عالم واقعیت و علی رغم استدلالهای طرفین دعوا، طرح جدید چیزی را در زندگی مردم عوض نمیکند. هنوز هم امکان دریافت جواز رسمی پدوفیلی (تجاوز جنسی به کودکان) فراوان است و از آنجائی که طرح جدید حداقل سن ازدواج را اصلا تعیین نکرده است و با توجه به اینکه تابحال ۹ سالگی سن قانونی ازدواج برای دختران بوده است، بنظر میرسد قضات "صالحی" که قرار است حکم چنین ازدواجهایی را صادر کنند همچنان ۹ سالگی را مبنا قرار خواهند داد و

حتما از نظر آنها ۱۲ سال سن نسبتا بالائی محسوب خواهد شد. بیجیده تر کردن قانون و پوشاندن زشتی و کراهت قوانین فعلی در زوروق "اصلاحات" ممکن است در بازیهایی دیپلماتیک و برای برقراری ارتباط با اتحادیه اروپا و دولتهای غربی بتواند نقشی ایفا کند، اما مردم ایران که سالهاست این رژیم را با پوست و گوشت لمس کرده اند، جوانان ایرانی که سالهاست برای تنفس کردن ذره ای آزادی از تلاش باز نایستاده اند، دختران کم سن و سالی که قربانی سیاستهای ارتجاعی و زن ستیز جمهوری اسلامی شده و بجای بازی و جست و خیز در کوچه ها بار مسئولیت خانه داری، بچه داری و شوهرداری را بدوش کشیده اند، دیگر برای چنین هیاهوهای تبلیغاتی تره خرد نمیکند و به چیزی کمتر از سرنگونی این رژیم راضی نمی شوند.

تا آنجا که به سن ازدواج و حقوق زنان بر میگردد، این حقوق جهانشمول است و سن ازدواج هم باید بر اساس معیارهای بین المللی که برای زنان در دیگر بخشهای دنیا برسمیت شناخته شده است در ایران هم پیاده شود.

مردم و جنبش عظیم زنان ایران مدتهاست به جمهوری اسلامی و اپوزیسیون اصلاح طلبش نه گفته اند و با مبارزات و مقاومت روزمره اشان این رژیم را به لبه پرتگاه رسانده اند. تقلابهای امروز مجلس و مجمع تشخیص مصلحت گویای بارز این واقعیت اند.

\*\*\*

## چگونه میتوان از جنایات بیشتری جلوگیری کرد؟

## صالح سرداری

سهیلا شریف نژاد زن بیست و سه ساله ای که هفته قبل در شهر مریوان توسط همسرش مسعود بعد از ریختن نفت بر بدنش، به آتش کشیده شد، متأسفانه چند روز بعد در بیمارستان سنندج دنیای پر از ستم و بیعدالتی را بجای گذاشت و جان خود را از دست داد. سهیلا نیز مانند

میلیون ها انسان دیگر، در سرزمینی متولد شد که نمایندگان خدا در آنجا زندگی مردم را به تباهی کشانده اند. از همان سالهای اول زندگی، قوانینی که سرنوشتش را رقم می زد برایش گفتند و می خواستند به او بقبولانند که او نصف انسان است، ضعیفه است، ناموس دیگران است، با هم سن و سال های دیگرش بخاطر جنسیتش فرق دارد، باید مطیع باشد، برادر کوچکش و جنس مذکر در هر سن و سالی می تواند به وی دستور دهد کتکش بزند و .. او فقط باید اطاعت کند.

سهیلا هر چند که تمام زندگی بیست و سه ساله اش را در فقر و تنگدستی گذرانده بود، اما شاید هیچ وقت فکر نمی کرد روزی توسط کسی که "شریک" زندگی اش می نامند، اینچنین بیرحمانه به آتش کشیده شود.

سهیلا متأسفانه یکی از آن هزاران زنی بود که در سایه حکومت خدا و سنت ها و آداب و رسوم پاسداران "شرف" و "ناموس ارتجاعی ناسیونالیزم کرد قربانی شد. در سایه حکومت

به مبارزه طلبیده و قوانین ضد زن اسلام را زیر پا نهاده اند.

## زنان و مردم آزادخواه

متأسفانه زندگی سهیلا نیز مثل خیلی های دیگر زود هنگام به پایان رسید و مردم زیادی نیز در مرگ او گریستند. احساس همدردی و ابراز نفرت از چنین عمل شنیعی، انسانی است اما کافی نیست. برای نجات از دست قوانینی که اجازه می دهد مسعودها به خود جرات دهند انسان دیگری مثل سهیلا را به آتش بکشند باید به مبارزه متشکل علیه رژیم جمهوری اسلامی با تمام قانون و سنت و فرهنگ آن دست زد. باید حکومت آدمکش اسلامی را به زیر کشید، هیچ راه دیگری وجود ندارد. باید با ناموس پرستی و مردسالاری به مبارزه برخاست. با کسانی که تحت فشارهای موجود، امید به زندگی را از دست می دهند، دلسوزانه برخورد کرد و قانع شان کرد به جای اقدام به خودکشی و خودسوزی راه دیگر یعنی مبارزه را برگزینند.

همه کسانی که از به آتش زدن سهیلا شریف نژاد سخت ناراحت اند، همه انسان هایی که چنین قوانین و فرهنگی آزارشان می دهد، همه کسانی که آزادخواه و برابری طلب اند، همه آنهایی که حقوق زن و مرد را مساوی می دانند، همه آنهایی که خود تحت استثمار و تحقیر و فشارهای موجود قرار می گیرند و به آن معترضند، نباید در مقابل چنین جنایاتی ساکت بمانند.

□

از این مبارزات است. رفقا اینها جزو ملزومات قد علم کردن به عنوان نیروی سرنوشت ساز و تعیین سرنوشت سیاسی جامعه است. من در اینجا خطوط کلی را مطرح کردم و امیدوارم با بحثهای پرباری استنتاجات موثری برای آینده کارمان داشته باشیم.

\*\*\*

یک دنیای بهتر،

برنامه حزب کمونیست

کارگری را بخوانید!

جاری ما وظیفه سخنگویی جنبش ریکال و اعتراضی جامعه را به عهده داریم. تشکیلات خارج کشور و دیگر نهادهای مربوطه در خارج حتما بخش مهمی از این وظیفه را به سرانجام میرسانند. اما کمیته کردستان و مسئولین ذیربط به عنوان رهبران و سخنگویان جنبش حق طلب و رادیکال وظایف روشنی را باید در دستور بگذارند.

جنبه دیگر جلب توجه افکار عمومی در رابطه با مبارزات مردم و کسب حمایت بین المللی

نیست. با جمع آوری کمک مالی از مردم هم منبع تامین مالی را باید گسترش دهیم و هم مردم را در پیشبرد پروژه هایمان سهیم کنیم. علاوه بر آن باید ابتکارات دیگری را به دست بگیریم. اقدامات و سازمان مالی مناسبتری را در سطح کمیته و شورای کادرهای تشکیلات کردستان در نظر داریم.

- حضور موثر در عرصه بین المللی: در حوزه خارج کشور و در عرصه بین المللی در رابطه با اوضاع در کردستان و مبارزات

هر روزه هم وسیعتر میشوند. هر چند فعالیتهای مالی هم به نسبت گذشته خود بهبودی داشته اند، اما امکانات مالی ما انطباقی با نیازهای رو به افزایش ما ندارد. گسترش کار ما در همه عرصه ها به امکانات مالی گره خورده است. شکی نیست، کادرها و اعضا و دوستان و سمپاتهای حزب منبع اصلی تامین هزینه های فعالیت های تاکنونی بوده اند. جمع آوری کمک مالی گسترش پیدا کرده است، ولی هنوز مطلوب

## ◀ موقیعت ما

اساسی جوابگو نبودن میزان ادبیات و نشریات ما در شهرها است. با اقدامات روشنی لازمست ادبیات پایه ای ما و نشریه هفتگی و ایسکرا به راحتی در دسترس باشند.

## - امکانات مالی

لازم نیست در مورد مشکل مالی و محدودیت اساسی که از این طریق بر فعالیت ما تحمیل شده توضیح زیادی بدهم. فعالیت های ما وسیع و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## شغل شریف میانجیگری تا کی؟

در حاشیه اعلام موضع راه کارگر در مورد لمپنیسم و ترور شخصیت توسط سازمان زحمتکشان

در حاشیه اعلام موضع راه کارگر در مورد لمپنیسم و ترور شخصیت توسط سازمان زحمتکشان بدنبال راه افتادن موج جدید ترور شخصیت رهبران و کادرهای حزب کمونیست کارگری توسط دارودسته سازمان زحمتکشان بویژه نوشته های کاملاً سادیستی و بیمارگونه "امین صادقی" (عبداله مهتدی) دوبار و بعداً "مهین صادقی" و لودادن اعضای این حزب به اطلاعات جمهوری اسلامی در نوشته "امین صادقی"، ظاهراً راه کارگر که تمایلی به درگیری در این رویدادها نداشته است، بنا به تقاضای سازمان زحمتکشان ناچار از موضع گیری شده است. راه کارگر در مورد این رویدادها در تک برگی راه کارگر، شماره ۱۴۹، تاریخ ۲۹ خرداد ماه ۸۱، چنین مینویسد:

برای دست یابی به اهداف آنتی کمونیستی خود خیلی تلاش کرد، لیکن جز شکست و ناکامی و انزوی بیشتر چیزی نصیبش نشد، ناچار به راه کارگر روی آورده است، تا شاید گوشه ای از تنگنایهای سیاسی اش رفع شود. راه کارگر حالا که ناچار از دخالت و درگیری شده است، بنا به عادت همیشگی به گرفتن موضعی "پروفسور مابانه" و بی خاصیت اکتفا کرده است. بعید است که راه کارگر از جریان ترور شخصیت رهبران و کادرهای حزب کمونیست کارگری توسط سازمان زحمتکشان و سایت بروسکه و بویژه نامه های بیمارگونه "امین" و بعداً "مهین صادقی" نیز مطلع نباشد. حالا که اعلام موضع کرده است، در این موارد چه موضعی میگیرد؟ بازهم بعید است راه کارگر نداند که مسئول سایت بروسکه عضو کمیته مرکزی سازمان زحمتکشان است. ایشان در ادامه خط لمپینی و ترور شخصیت ناظر بر سایت اخیراً عکس ایرج فراز و رحمان حسین زاده را ردیالانه دستکاری کرده و در صفحه اول خود نیز چاپ کرده است. راه کارگر اینها را چگونه توضیح میدهد؟ و بالاخره بازهم بعید است که راه کارگر از فراخوان قوم پرستانه یک هفته صحبت بزبان کردی در آغاز تحصیلی مدارس کردستان ایران توسط سازمان زحمتکشان و دیگر تلاشها و شگردهای قوم پرستانه آنان خبر نداشته باشد. ظاهراً خویشاوندی جنبشی مانع از این گردیده است که راه کارگر در این موارد بضرر سازمان زحمتکشان موضعگیری کند.

راه کارگر بجای توضیح این موارد، همانطور که سنت معمول این سازمان است، به موضع گیری راست و "میانجیگرانه" و بی خاصیتی که معمول این سازمان است اکتفا کرده است. راه کارگر معمولاً در اینگونه مواقع به فکر مرمت تنگنایهای جریانات راست میافتد تا به آنان نشان دهد که در کجا

ایستاده است. من به نمونه دیگری از این نوع موضعگیری راه کارگر اشاره می کنم. راه کارگر در کردستان ایران در اوایل دهه هشتاد وقتیکه حزب دمکرات علیه فعالیت کمونیستی در کردستان، که کومه له آن در آن را نمایندگی میکرد، جنگ سراسری خود را اعلام و شروع کرد، ناچار از موضع گیری شد. راه کارگر در جنگ سراسری حزب دمکرات علیه کومه له، در کنار حزب دمکرات و علیه کومه له موضع گرفت. از موضع مشاور سیاسی فکری حزب دمکرات، با ظاهری "بیطرفانه"، جانب حزب دمکرات را میگرفت و جنگ حزب دمکرات علیه کومه له را توجیه میکرد. راه کارگر توجیه این جنگ را برای حزب دمکرات در این ترجیح بند که "معضل، تحلیل سیاسی - طبقاتی کومه له از حزب دمکرات" است، بیان میکرد. پشت سر این موضع گیری راه کارگر این حقیقت نهفته بود که راه کارگر در آندوره از گسترش فعالیت کمونیستی توسط کومه له برآشفته بود، به این جهت حزب دمکرات را در حمله به فعالیت کمونیستی محق میدانست، اما آن را در این قالب بیان میکرد. در این مورد به راه کارگر شماره ۱۶ آن دوره رجوع شود. در مورد سازمان زحمتکشان هم راه کارگر آنتی کمونیسم قوی و ترور مکرر شخصیت رهبران و کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران توسط این دار و دسته و مشخصاً سایت بروسکه را می بیند، لیکن چون خود را به آنان در یک جنبش می بیند، حتی وقتی مجبور به موضع گیری نیز میشود، مطابق معمول، به موضع آشکارا راست خود ظاهری بیطرفانه میدهد و با زبانی پروفسورمابانه، آنرا بیان کرده است. معلوم نیست این میانجیگری و بی خاصیتی تاکی؟ راه کارگر تقریباً همه عمر سیاسی خود را بعنوان سازمانی بی خاصیت و در موضع ظاهراً "میانجی" اما همواره در طرف راست سپری کرده است. چه میشود کرد عده ای زندگی سیاسی خود را این چنین سپری میکنند!

## در گرامیداشت یاد رفیق عثمان سلیمانی

با تاسف فراوان مطلع شدیم که رفیق عثمان سلیمانی دوستدار کمونیسم کارگری در روستای قلاتان از توابع اشنویه، روز ۲۴ خرداد در اثر سکنه قلبی، در سن ۴۳ سالگی درگذشت. رفیق عثمان از آزادیخواهانی بود که از اوایل مقاومت مردم در برابر جمهوری اسلامی، در کنار کومه له ایستاد، با کمونیسم آشنا شد و مبلغ آزادیخواهی و برابری طلبی در میان مردم زحمتکش منطقه سندوس نطقه شد. کم نیستند کسانی که از طریق تبلیغات آگاهگرانه وی با کمونیسم آشنا و جذب مبارزه برای رهایی خود و هم سرنوشتان شان شدند. رفیق عثمان در ادامه، پیگیری اهداف و سیاست کمونیستی را به کمونیسم کارگری گره زد و از سیاستهای کمونیسم کارگری دفاع نمود. عثمان عزیز در زندگی و کار و فعالیت روزانه خود نیز الگوی بسیاری در محیط پیرامونیش بود. به جرات میتوان گفت که شخصیت صمیمی و دوست داشتنی عثمان مورد احترام همه بود. به همین دلیل به محض پخش این خبر ناگوار، مردم آزادیخواه روستاهای منطقه و شهرهای نطقه و اشنویه در طول یک هفته وسیعاً به قلاتان رفتند و با خانواده و بستگان و دوستانش اظهار همدردی کردند.

### محمد فناحی

پنجم خرداد ۱۳۸۱ کميته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران و نشریه ایسکرا نیز خود را در غم و اندوه او دست رفتن رفیق عثمان سلیمانی شریک میدانند و به بازماندگان وی و مردم منطقه تسلیت میگویند. یادش گرامی باد

## از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane.com

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

مطالب، اطلاعاتی ها و

نظراتتان را برای روزنه

rowzane@yahoo.com

بفرستید.

۲۶ ژوئن ۲۰۰۲

● ● ●